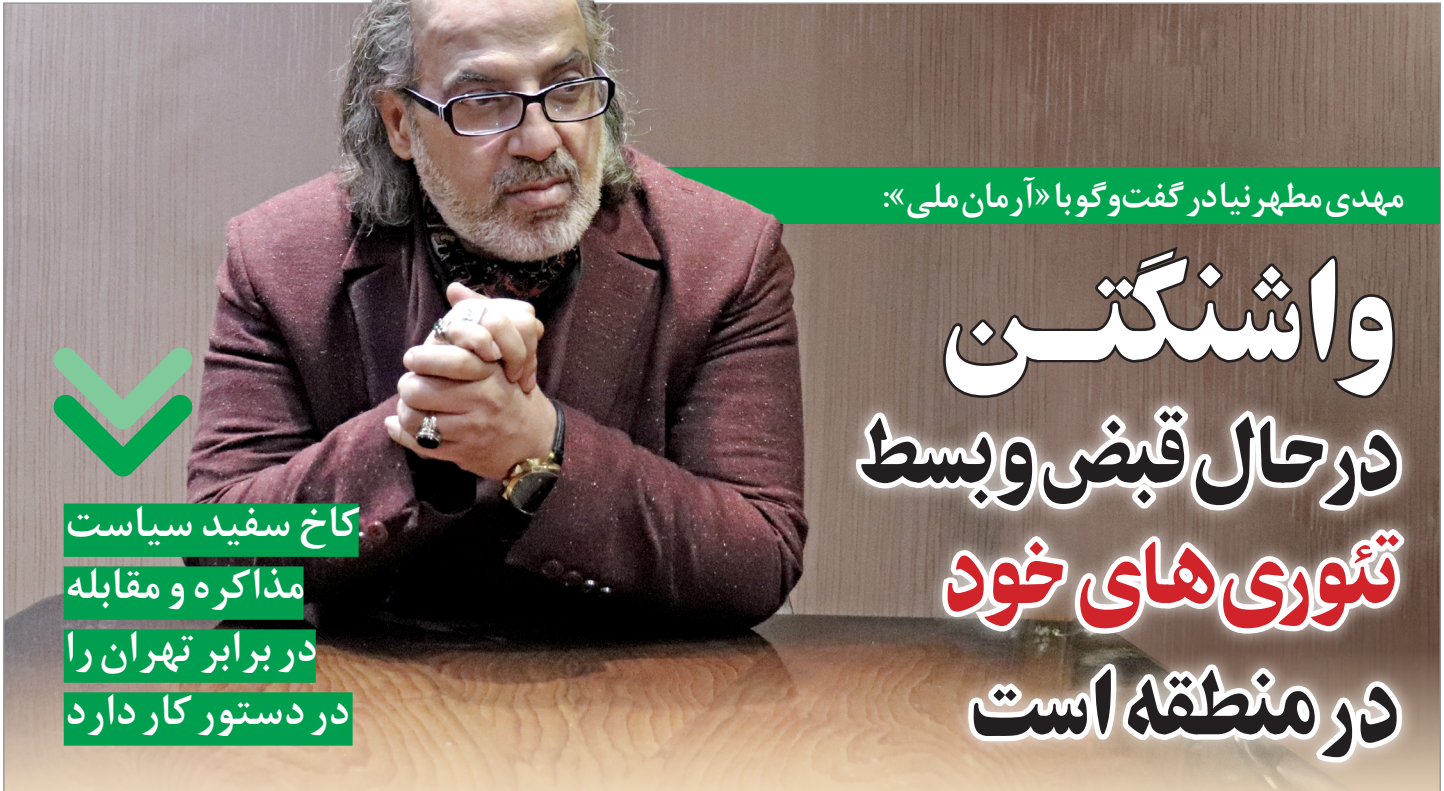




روز ۲۳ ژوئن امسال میلادی، اتحادیه اروپا در چارچوب یازدهمین بسته تحریمی علیه کشور روسیه، تحریم‌های گسترده‌تری را وضع کرد که براساس آن، این اتحادیه اجازه دارد فروش، عرضه، انتقال یا صادرات کالا‌های مختلف به‌ویژه محصولات فولادی روسیه و فناوری‌های مرتبط با آن به کشورهای ثالث را محدود کند. این اتفاق در حالی رخ داد که اتحادیه اروپا در چهارمین بسته تحریمی علیه روسیه، از ابتدای ماه آوریل ۲۰۲۲ واردات برخی محصولات نوردی همچون لوله را از روسیه ممنوع کرده است؛ این اتحادیه همچنین در هشتمین بسته تحریمی خود، محدودیت‌های بسیاری در زمینه واردات محصولات نوردی از کشورهای ثالث که با استفاده از فولاد روسیه تولید شده باشند را در نظر گرفته است. در چنین شرایطی، به‌نظر می‌رسد هم‌اکنون فرصت بسیار مناسبی برای تولیدکنندگان فولاد کشور ایجاد شده است تا بتوانند جایگاه خود در بازار جهانی فولاد را تا حدود قابل توجهی از فولادسازان روسی پس بگیرند، زیرا هم‌زمان با آغاز جنگ روسیه و اوکراین در اوایل سال ۲۰۲۲، تولیدکنندگان فولاد در این کشور با ایجاد دامپینگ قیمتی توانسته بودند بازارهای هدف و صادراتی ایران را در دست گرفته و منجر به افت چشمگیر صادرات فولاد ایران در آن بازه زمانی شوند. عمده بازارهای صادراتی فولاد ایران را کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، خاورمیانه و جنوب‌شرقی آسیا تشکیل می‌دهند. به‌دلیل مزیت نزدیکی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، صادرات فولاد به این کشورها با پیشرفت قابل توجهی طی سالیان اخیر همراه بوده و این مهم به‌خوبی در خاورمیانه نیز در حال انجام است. از طرفی، فولاد روسیه علاوه بر قاره اروپا، به منطقه جنوب‌شرقی آسیا نیز صادر می‌شود. در چنین شرایطی، اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه، منجر به ایجاد یک خلأ در بازار فولاد قاره سبز و آسیا خواهد شد که می‌تواند زمینه توسعه صادرات فولاد ایران به کشورهای اروپایی و جنوب‌شرقی آسیا را فراهم کند. این بدان معناست که هر چه صادرات فولاد روسیه به این مناطق به‌دنبال تشدید تحریم‌ها کاهش یابد، فولاد ایران می‌تواند جایگزین بسیار مناسبی به‌ویژه در کشورهای همچون تایلند، مالزی، اندونزی و... باشد. البته در این میان، نباید نقش چین در مقام بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد در جهان را نادیده گرفت که حضور پررنگی در بازارهای جهانی فولاد دارد، اما آنجا که تولیدکنندگان فولاد کشور، مشتریان سنتی و دیرینه خود را طی سالیان اخیر به‌دست آورده‌اند، بنابراین این توان به‌توسعه صادرات فولاد ایران در بازارهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی امیدوار بود. در این میان، رفع محدودیت‌های صادراتی، مسأله بسیار مهمی است که باید در دستور کار دولت و مسئولان ذی‌ربط قرار بگیرد و مسیر صادرات محصولات فولادی هموارتر از قبل شود. ما باید از تجربیات خود در این زمینه عبرت بگیریم و نباید اشتباهات گذشته را تکرار کنیم. برای مثال، جنگ روسیه و اوکراین و به‌دنبال آن، کاهش صادرات فولاد این دو کشور در بازارهای جهانی، فرصت بسیار خوبی را برای توسعه صادرات محصولات فولادی ایران در اوایل سال گذشته فراهم کرده بود، اما متأسفانه وضع عوارض صادراتی در محصولات معدنی و فلزی، به‌یک‌باره تمامی معاملات تولیدکنندگان فولاد کشور را بر هم زد و باعث شد که بسیاری از بازارهای صادراتی خود در آن برمه زمانی را از دست بدهند. طبق آمار انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، در سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۳۰ میلیون تن فولاد در کشور تولید شده و میزان مصرف داخلی، حدود ۱۶ میلیون تن بوده است. بنابراین زمانی که با مازاد نیاز ۱۴ میلیون تنی فولاد مواجهیم، چاره‌ای جز صادرات آن نداریم که این مسئله نیز تسهیل مسیر صادرات توسط دولت و بخش‌های مرتبط را می‌طلبد. از طرفی، بخش عمده‌ای از صادرات فولاد کشور از شمش فولادی (محصول نیمه پایانی) به‌عنوان خوراک مور دنیا ز واحدهای نوردی تشکیل می‌دهد. در کشور ما، خوشبختانه این محصول تولیدی‌های مختلف توسط شرکت‌های مطرح و بزرگ فولادی تولید می‌شود که صادرات فولاد نیز از این امر آرزواری خوبی برای کشور به‌همراه داشته باشد. امیدواریم که با حضور وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت که از سابقه و تجربه طولانی در صنعت برخوردار و آشنا با تمامی چالش‌های و مشکلات فعالان این بخش هستند، شاهد رفع موانع و چالش‌های موجود در حوزه تولید و صادرات محصولات فولادی باشیم.

عملکرد دولت بر میزان مشارکت انتخاباتی مردم تأثیر گذار خواهد بود

یک فعال سیاسی اصولگرا درباره تأثیر عملکرد دولت بر میزان مشارکت مردم در انتخابات گفت: قطعا این موضوع اثرگذار خواهد بود. ۶ماه تا زمان انتخابات باقی مانده است و نباید از این موضوع غافل بود. دولتمردان باید یک کار مضاعفی را انجام دهند تا عملکردشان تقویت شود؛ در عین حال انعکاس مناسب عملکردشان نیز می‌تواند در جامعه‌امیدآفرین باشد. بیژن مقدم با بیان اینکه درصدمشارکت دوه‌های گذشته توقعات را خیلی بالا برد، افزود: هر چقدر عملکرد دولت بیشتر امیدآفرین باشد ریویزیون‌های مشارکت تأثیر می‌گذارد. البته این کار سختی است که باید بشود اعتماد اجتماعی را طی ۶ماه به‌شکلی احیا کرد که مشارکت خیلی گسترده مردم را در انتخابات مجلس شاهد باشیم. این تحلیلگر مسائل سیاسی درباره نوع گزارش دهی دولت به مردم یادآور شد: اقتصاد دو بخش خرد و کلان دارد. گرچه اقدامات در حوزه کلان می‌تواند بر زندگی مردم تأثیر بگذارد اما احساس این اثرات خیلی تدریجی و زمان بر است. اگر دولت تمام تمرکز خود را روی بهبود شاخص‌های کلان بگذارد و از شاخص‌های اقتصاد خرد یعنی سفره مردم غفلت کند، این همان پاشنه آشلی است که می‌تواند همه زحمات دولت را بیهوده فریباند؛ اگر پروژه‌های بزرگ اقتصادی مثل بزرگ‌ترین فرودگاه منطقه یا طولانی‌ترین راه‌آهن منطقه کلید بخورد و سرمایه‌گذاری‌های بزرگی نیز روی آنها انجام شود اما مردم درگیر خرید کالاهای اساسی خود مثل نان و مرغ باشند، قطعا این مشکلات خرد باعث می‌شوند که آن عملکردهای بزرگ دیده نشوند بنابراین دولت باید تلاش کند اهداف هر دو بخش اقتصاد را با هم جلو ببرد.



مهدی مطهر نیادر گفت و گو با «آرمان ملی»:

واشنگتن در حال قبض و بسط تئوری‌های خود در منطقه است

آرمان ملی – احسان اسقایی: نگاه ایالات متحده آمریکا به خاورمیانه به یک باره به تقویت حضور خود در بایگاه‌ها و خلیج فارس تغییر یافته است. ایالات متحده‌ای که تمایل خود را برای برون رفت از خاورمیانه نشان داده بود از چندی قبل به این سو یا توسل به مانور رسانه‌ای به منطقه بازگشته و حالا حتی بحث استقرار تفنگداران آمریکایی بر روی کشتی‌های تجاری در خلیج فارس مطرح است. از سوی دیگر آمریکایی‌ها در زمانی این تصمیم را علنی کردند که بنا بر اظهار مقامات ایران و عربستان دو طرف به بهبود روابط منطقه می‌اندیشند و البته پای چین به منطقه هم بیش از گذشته باز شده است. به همین خاطر به نظر می‌رسد تغییراتی در منطقه در حال شکل‌گیری است. «آرمان ملی» با مهدی مطهر نیادر استاد دانشگاه و کارشناس روابط بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

آنکون روسیه در آن فرورفته نیز بخشی از استراتژی ایالات متحده باشد؟

اساسا آمریکا درگیر جنگ اوکراین شده تا روسیه مانند گذشته به اروپا چسبندگی پیدا نکند و شاهدیم که روسیه و اروپا در پرتوی نبرد اوکراین چقدر هم از یکدیگر دور شده‌اند. این دوری مطابق خواست آمریکایی‌هاست.

استراتژی ایالات متحده در این سال‌ها و خصوصا در پاسکاری قدرت در بین دو دولت جمهوری خواه و دموکرات نسبت به منطقه چه تغییری کرده‌است؟

آنچه در باب عملکرد پایدن و دولت او باید گفت این است که دولت بایدن در متن و بطن ایالات متحده آمریکا در قرن ۲۱ میلادی در حال عمل کردن است. به این معنا که دولت بایدن در چارچوب پارادایم‌های حاکم بر حوزه امنیت ملی ایالات متحده آمریکا کار می‌کند. بایدن رئیس‌جمهور دوره فدرال آمریکا است و دولت فدرال آمریکا اگر چه در راس خود رئیس‌جمهور دارد، اما روسای جمهور در یک سیستم پیچیده و در عین حال ساختارمند سیاسی اقدام می‌کنند. به بیان دیگر رئیس‌جمهور نماینده قدرت دولت فدرال در آمریکاست نه شخصی اول دولت فدرال که تصمیم‌گیری مبتنی بر تصمیم‌سازی‌های دولت را نادیده انگارد. به هر روی اگر چه چندین حزب در آمریکا وجود دارد اما اکثریت روسای جمهور آمریکا در پرتوی برنده شدن یکی از دو حزب اصلی بر سر کار می‌آیند و در همین حال که با رقابت با یکدیگر پیروز می‌شوند، می‌توانند در چارچوب پارادایم‌های تعیین‌شده و در همان دکترین و سیاست‌های کلان معین شده در دولت فدرال به عنوان یک اصل ماندگار در آمریکا به بیان سخن رفتار و کنش سیاسی بپردازند. آنها نمی‌توانند به واسطه پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری کسب قدرت برای ورود به کاخ سفید بدون در نظر داشتن پارادایم‌های حاکم، دکترین‌های ناشی از آن و سیاست‌های تبیین شده در چارچوب استقرار دولت فدرال از زمان جرج واشنگتن تاکنون اقدامی به عمل آورند. از این رو باید گفت آنچه روسای جمهور آمریکا می‌توانند در نهایت بر آن اثر داشته باشند، تعیین استراتژی‌ها و خط و منشی‌های اجرایی تحت عنوان تاکتیک‌ها و تکنیک‌هاست که با دولت حاکم بر حکومت فدرال در آمریکا شاهد ایجاد نوعی تحرک بر مبنای تغییر اربابان و بزرگان کاخ سفید هستیم.

اما به نظر می‌رسد این تغییر حداقل در دولت ترامپ وجود داشته!

زمانی که ترامپ بر قدرت بود، در ایالات متحده آمریکا پارادایم آشوب، دکترین بازیگر دیوانه، سیاست کلان ابهام و پیچیدگی، استراتژی چپ‌سوی، تاکتیک، تحرک جاجالی و ضربه و نهایتا تکنیک دیپلماسی رسانه‌ای حاکم بود و زمانی که بایدن سر کار آمد پارادایم قدرت هوشمندتر آمریکایی که در زمان اوپاما کلید خورده بود فعال شد. دکترین بازیگر والد بالغ، سیاست کلان شفافیت و اقدام؛ یعنی شفافیت در دیپلماسی و اثرگذاری در کنش، استراتژی مذاکره و مقابله، تاکتیک نزدیکی با متحدان، همراهی با رقبا و گفت‌وگو با دشمنان و تکنیک مذاکره رسمی مورد توجه قرار گرفت. من همان زمان که بایدن در قدرت قرار گرفت در پستی این دورا با یکدیگر مقایسه کردم و بر مبنای آنچه در مقدمه گفتیم آمریکایی‌ها برای تعیین

ایران در آخرین دوره مذاکرات هسته‌ای در دولت رئیسی با توپ‌پز به وین رفت و پیشنهادهایی را روی میز گذاشت اما در چارچوب سیاست اثرگذاری در کنش، آمریکا هیچ گونه عقب‌نشینی انجام نداد و تهران به آن بسنده کرده که از آنسین چند پرونده باقی‌مانده در این نهاد را بازاره سیاسی مختومه اعلام کند

برای تعیین، برای معین، سیاست مذاکره و مقابله در ارتباط با تهران وجود خواهد داشت.

استراتژی خود را پارادایمی را شکل می‌دهند که بتوانند استراتژی‌های خود را در چارچوب آنچه که در نظام حاکم بر ایالات متحده در آن مقطع زمانی نیاز می‌دانند را با توجه به اهداف تعیین شده و وضعیت حادث در آن به انجام برسانند. لذا باید گفت یک متن ثابت با اهداف معین وجود دارد که فراطارادایم‌های ایالات متحده را به نمایش می‌گذارد و سپس در درون آن پارادایم روسای جمهور بر حسب نیاز و سیاست‌های حزبی و خط و منشی‌گذاری‌های دولتی زمینه‌ساز ایجاد فضای می‌شوند که بتوانند در پرتوی آن قدرت آمریکا و همچنین استعداد و توانمندی حزبی خود را برای پیروزی و در دست نگه داشتن قدرت افزایش دهند.

به‌نظر می‌رسد که در دولت کنونی آمریکا دیپلماسی مستقیم و گفت‌وگو باحتی دشمنانش در دستور کار است. ایران و آمریکا نیز از دیرباز با یکدیگر دشمنند و حالا برخی رسانه‌ها از ماه‌ها مذاکره‌یابی بین ایران و آمریکا در یکی از کشورهای عربی اطلاعاتی را منتشر کرده‌اند. آیا ممکن است غیر از مذاکره برای تبادل زندانیان و در دسترس قرار گرفتن پول‌های ایران مذاکرات هسته‌ای هم در جریان باشد؟

در سال ۱۳۹۹ اعلام کردم که سیاست کلان یا مگاپالیسی آمریکا در دوران بایدن شفافیت و اقدام است. یعنی در دیپلماسی بسیار شفاف و در کنش، بسیار اثر گذار عمل می‌کند. همین معنا در پرونده هسته‌ای نیز هست، اما من از مذاکره مستقیم سخن نگفتم، منظور این بود که تکنیک مذاکره رسمی را به کار می‌برند. مذاکره رسمی می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم باشد. آمریکایی‌ها رسماً اعلام کرده‌اند که با ایران در حال مذاکره در باب تبادل زندانیان هستند و هیچ‌گونه مذاکره‌ای در باب برجام با هدف عقب‌نشینی از موضوع آمریکا که برابر ایران انجام خواهند داد. ایران در آخرین دوره مذاکرات هسته‌ای در دولت رئیسی با توپ‌پز به وین رفت و پیشنهادهایی را روی میز گذاشت اما در چارچوب سیاست اثرگذاری در کنش، آمریکا هیچ گونه عقب‌نشینی انجام نداد و تهران به آن بسنده کرده که از آنسین چند پرونده باقی‌مانده در این نهاد را بازاره سیاسی مختومه اعلام کند. تاکنون از منظر اراده سیاسی این فعل انجام نشده و این در حالی است که ایران از منظر قوه مقننه دارای مصوبه‌ای است که آن نیز فعلا به کنار رفته است. البته دولت و وزیر خارجه ایران مستمرا اعلام می‌کنند که به دنبال مذاکره برای بستن پرونده هسته‌ای هستند. آمریکا تکنیک مذاکره رسمی را به کار می‌برد، تاکتیک آن بالاتر از تکنیک نزدیکی با متحدان است و آنکون با متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی خود نزدیک شده و با رقابتی خود همکاری می‌کند و نمونه بارز آن همراهی با چین است. کاخ سفید سپس گفت‌وگو با دشمنان را در نظر دارد. در تاکتیک زمانی که گفت‌وگو با دشمنان اعلام می‌شود، یعنی مذاکره رسمی حال اینکه این مذاکره که می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد، رسمی است. برای همین رسماً اعلام می‌کند هدف آن مذاکرات، تبادل زندانیان است. این حرکت و شگردی است که متکی بر استراتژی مذاکره و مقابله است. این معنا در سیاست‌ها و در تیم بایدن برای انجام حرکت در دوران ریاست‌جمهوری از همان آغاز مشخص بود. آمدن بلنز در سازمان سی‌ای، آمدن بلیسکن در وزارت خارجه، سالیوان مشاور امنیت ملی و غیر نشان دهنده آن بود که آمریکا استراتژی مذاکره و مقابله را بر گزیده است. مذاکره می‌کند و در عین حال به دنبال تنگ‌تر کردن حلقه مذاکره تهران است. از زمانی که بایدن آمده این سیاست در حال اعمال است.

آنچه اهمیت دارد تیمی است که بایدن به عنوان یک رئیسش در آمریکاری آورده و آن تیم آنکون در راس دولت فدرال آمریکا در حال اعمال قدرت است. اگر چه بایدن با کهولت سن و وضعیتی که دارد به صورت مضرخاری در ایالات متحده آمریکا تحت فشار تبلیغات مخالفان و حتی بخش مهمی از مردم آمریکا قرار گرفته ولی معاونش جدیدا آمادگی خود را برای قبول کردن وظایف بایدن اعلام کرده است. البته این به آن معنا نیست که دولت در آمریکا وابسته به یک شخص باشد و با وضعیت شخصی مانند بایدن آنچه می‌کند، می‌گذرد، فلج‌شود. برای همین، سیاست مذاکره و مقابله در ارتباط با تهران وجود خواهد داشت.

برخی اعضای دولت سیزدهم از همان فردای انتخابات ۱۴۰۰، کوشش کردند فضای فکری شکل گرفته حول رئیس‌جمهور منتخب را در قالب صورت‌بندی‌گفتمانی به‌افکار عمومی معرفی کنند. یک سال بعد، مجموعه مقالاتی که در فصلنامه «برداشت اول» از سوی محمدصادق خیاطیان رئیس وقت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، به چاپ رسید، تلاش ناتمامی برای طرح‌گفتمانی باعنوان «عدالت و جمهوریت» بود. خیاطیان در همین ارتباط در مصاحبه با ایرنا گفته بود «وقتی در ایام انتخابات راهبردهای انتخاباتی آقای دکتر رئیسی و اقتضانات و شرایط کشور و انتظاراتی که مردم بعضاً از چهره‌های مثل رئیسی داشتند را مرور می‌کردیم همان‌زمان به فکر بودیم یک گفتمان را سریع‌تر انتخاب کنیم و این به‌عنوان یک مسیر می‌می‌تواند مردم را همراه کند و آن مفاهم را ایجاد کند، باید دنبال شود».

به گزارش خبر آنلاین اگر چه همان‌زمان، برخی اساتید علوم سیاسی نسبت به بکارگیری «مفهوم گفتمان» درباره آرا و نظرات ابراهیم رئیسی تردید داشتند، اما استمرار تولید محتوا از سوی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، رونوشتی آشکار از اقداماتی بود که روزی دکتر محمدرضا تاجیک در دوره ریاست‌جمهوری سیدمحمدخامنی انجام داد. تاجیک به‌عنوان استاد علوم‌سیاسی دانشگاه شهیدبهبشتی، در حوزه گفتمان صاحب‌نظر بود. مجموعه گزارشات روزانه و فرهنگی تاجیک به‌خامنی، بعدها روی سایت مرکز بررسی‌های ریاست‌جمهوری قرار گرفت و مشخص شد گفتمان اصلاح‌طلبی در زمان‌خامنی به‌پشتوانه فعالیت‌تخبگان علمی توسعه داده شد.

◀ نسخه‌برداری از روش و محتوای احمدی‌نژاد

اما نسخه‌برداری از روش اصلاح‌طلبان در تولید گفتمان‌ها بهره‌بردار از محتوای سخنرانی‌های عامه پسند احمدی‌نژاد، از سوی مشاوران رئیسی دنبال شد. خیاطیان، تئوریسین «گفتمان عدالت و جمهوریت» معتقد بود: «فقدان ناوجود در حوزه انتخاب گفتمان نگاه می‌کنیم که یکی بر خراسته از خواست مردم باشد؛ یعنی مردم این گفتمان را مطالبه داشته باشند. به‌نظر در این وجه کلمه جمهوریت و مردمی بودن دولت انتخاب خوبی شد؛ هم به‌عنوان گفتمان اسبیل انقلاب اسلامی است که جمهوریت یکی از پایه‌های انقلاب اسلامی و شعار نظام اسلامی و هم تأکید امام و رهبری است که انقلاب اساساً انقلابی مردمی است».

◀ خطر نفوذ «فکالی‌نگاه‌ها» در ساختارهای اجرایی

این تعریف از گفتمان ابراهیم رئیسی، شباهت زیادی با فضایی داشت که تئوریسین‌های دولت احمدی‌نژاد در دولت‌های نهم و دهم بیان می‌کردند. اما به باور تحلیلگران سیاسی، آنچه در دهه ۸۰ فضای گفتمان احمدی‌نژاد توصیف شد، فضای مختصر به فرد و استثنایی نبود و احمدی‌نژاد نماینده گفتمان اصولگرایی در برابر گفتمان اصلاح‌طلبی بود که از خرداد ۷۶ شکل گرفته بود و به دلایل متعددی نتوانسته بود تسلط در افکار عمومی را حفظ کند. منور متون دانشگاهی نشان می‌دهد، گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنای ارتباطات اجتماعی معنا شده هستند. از نظر فوکو، گفتمان‌ها «اعمالی هستند که به‌طور سیستماتیک موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره موضوعات، صحبت‌نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند؛ آنها سازنده موضوعات بوده و در فرایند این سازندگی مداخلة خود را پنهان می‌دارند» از این رو معنا بخشیدن و تعریف از طریق موقعیت‌های اجتماعی و تشکیلاتی به دست می‌آید که از جانب به‌کار گیرندگان گفتمان‌ها اشغال شده است؛ بنابراین معانی و مفاهیم نه‌از درون زبان بلکه از درون اعمال تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی –سیاسی (قدرت) ناشی می‌شوند. این موضوع از آنجا اهمیت دارد که اساتید دانشگاه، گفتمان را امری تولید شده در کارخانه‌ای از کلمات نمی‌دانند، بلکه گفتمان‌ها در دایره‌ای از ارتباط‌های زبانی نمایندگان گفتمان که در اینجا روسای جمهور هستند با عملکرد آنها در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع، صورت‌بندی می‌کنند. از این رو ناظران سیاسی، طرح گزاره زبانی «گفتمان عدالت و جمهوریت» برای ابراهیم رئیسی را پارادوکس و در تضاد با برخی سیاست‌های عملی دولت می‌بینند که در استخراج اساتید دانشگاه یا بر خورد با رسانه‌های منتقد برزومی می‌آید. از سوی دیگر، کارشناسان اقتصادی با اشاره به فاصله طبقاتی متأثر از تورم و کاهش ارزش پول ملی در دو سال اخیر، تبعیض در انتصاب مدیران و حضور مدیران وابسته به دانشگاه‌های خاص یا حضور فرزندان اطرافیان رئیس‌جمهور در کشورهای خارجی را نشان‌ده برجسته‌ای از تعارض، با آنچه «گفتمان عدالت» رئیس دولت سیزدهم نامیده می‌شود، ارزیابی می‌کنند.

◀ عدم همراهی مدیران دولت سیزدهم با گفتمان رئیسی
این در حالی است که به‌نظر می‌رسد اعضای هیات دولت نیز همراهی با گفتمان رئیس دولت سیزدهم ندارند. در همین ارتباط رضامراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش با حضور در یک برنامه تلویزیونی هنگامی که مجری از وی در خصوص قیمت بالای شهر به مدارس غیر دولتی پرسید؛ گفت: «هزینه‌های بالای مدارس غیرانتفاعی عادی است، شما اگر بخواهید یک ماشین مدل بالا هم سوار شوید باید پول بیشتری بدهید» موضوعی که مورد انتقاد عدالت طلبان قرار گرفت و این اظهارات را مغایر با قانون اساسی دانستند.